



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۵۱
شماره پستی ۱۳۵۹، تهران ۱۳۵۹

اقتصاد خود را با مقتضیات زمان جنگ وفق دهیم

شماره ۸

ضد انقلاب داخلی را فراموش نکنیم

واکنش یکپارچه و شورانگیز انقلابی مردم در برابر تهاجم نظامی بربرستانه رژیم پشی عراق، باعث شد که ضدانقلاب متشکل داخلی سرود لاخ خود فرو برد. ولی این اذیتان ظاهری است. با تهاجم نظامی ناگهانی داسرائیل گروه داروخته سدام حسین فرار بود که ضدانقلاب متشکل داخلی نیز سر بلند کند. ولی این نقشه راهی جیسوری اسلامی ایران از درون جبهه نفعی بیرون است. هر تهاجم نظامی ناگهانی رژیم پشی عراق شکست خورد و همچنان جوی انقلابی در پیرامون و در سطح کشور بوجود آمده که عمل ضدانقلاب متشکل داخلی را فلج کرد.

ولی جنگ تجاویزی رژیم پشی سدام حسین ادامه دارد و لذا ضد انقلاب متشکل داخلی ترسده فرصت مناسب است. این قانون تمام انقلابیهاست که پس از پیروزی انقلاب، ضدانقلاب با دستپاچه‌اندازی نیرو برای بازگشت قدرت حاکم به تلاش می‌اند. و تا استقلال و ناپودی کامل، آنی از تلاش و تقلا برای دسترسی به هدف خود باز می‌ایستد. اذیتان ضد انقلاب داخلی ایران نیز امروزه ظاهری است و ضد انقلاب متشکل داخلی، که ظاهراً سرود لاخ خود فرو برده، به فعالیت پنهانی خود برای تشکیل بیشتر و گردهم آوری نیروی بیشتر، با تمام توان خود ادامه میدهد.

ما در حال جنگ با دشمن متجاوز خارجی هستیم و طبیعتاً توجه ستولان و مردم به این دشمن جلب شده، ولی این مملکت توجه لازم نباید به ستولان و نه مردم را از ضد انقلاب داخلی غافل کند. برعکس، باید به دشمنی خود نسبت به ضد انقلاب داخلی افزود، زیرا این ضد انقلاب متشکل داخلی، از شرایطی که توجه به دشمن خارجی مغفول

خلق عراق متحد طبیعی مردم ایران علیه رژیم سدام جنایتکار

دولتی که بخاطر يك هدف ضد انقلابی و ضد خلقی و در همکاری با امپریالیسم به خاک دیگران تجاوز کند و استقلال کشورهای دیگر را زیر پایگذاری خود نمی‌واند يك دولت متکی بر خلق خود باشد، بلکه برعکس، يك چنین دولتی دشمن خلق خود نیز هست، زیرا تجاوز ضد انقلابی به حقوق و استقلال دیگران، نشانه باجیت ضد انقلابی دولت تجاوزگر است و این باجیت قبل از هر چیز از سیاست داخلی آن دولت فاشیستی ناشی میشود. در تاریخ همیشه چنین بوده است که خلق کشور متجاوز خود بخود به همدرد و متحد خلق کشور بقیه در صحنه ۴

حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود اعلام کرد:

- ما باید برای يك جنگ دراز مدت خود را آماده کنیم
- روابط ما با کشورهای سوریه و لیبی، صمیمی است.
- اینطور نیست که منافع شوروی و آمریکا یکی شده باشد.
- ملک حسین یکی از نوکران قدیمی آمریکا است.

روز دوشنبه ۱۴ سپتامبر ۵۹ (دیروز) حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران، در گردهمایی مطبوعاتی هفتگی خود شرکت کرد و به سئوال خبرنگاران، پیرامون جنگ تحلیلی عراق به ایران و بازتاب این جنگ پاسخ گفت.

برای پیروزی نیاز به مبارزه طولانی است

حجت الاسلام رفسنجانی در مورد اثرات این جنگ در ایران و عراق گفت: جنگ خسارتی دارد و تا بحال هم خسارتی هم در ایران و هم در عراق داشته است. اثرات جنگ تا بحال برای ما مثبت بوده هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ نظامی و شاید در درازمدت از نظر اقتصادی، جواز امید باشد.

حجت الاسلام رفسنجانی در مورد خسارات انسانی این جنگ گفت: مجربان خسارات انسانی به این آسانی مقدور نیست، اگر قرار باشد انسان اهدافی داشته باشد و برای اهداف خود عمل کند باید آماده فداکاری باشد.

این مجموعه می گوید: این جنگ برای ما مفید بوده است. حجت الاسلام رفسنجانی در مورد اثرات این جنگ در عراق گفت: «خبرهای که به ما رسیده این است که پایه های سدام که مست بود سست تر شده. قضاةای که سدام در کشور خود داشته رشد کرده اند، مجموعاً این حرکت در جهت تحکیم سدام است و در ایران در جهت تحکیم انقلاب ایران».

رئیس مجلس در مورد آمادگی که این جنگ در مردم ایجاد کرده، گفت: «ما باید در داخل کشورمان به این اعتقاد برسیم که باید کمی بیشتر تلاش کنیم. با توانمندی روی پای خود باشیم. این جنگ آمادگی در مردم ایجاد کرد که احساس ضرورت های محدود و بی پایان از انقلاب را بپذیرند. ما اگر یقیناً انقلاب به پیروزی برسد نیاز به مبارزه طولانی داریم».

حجت الاسلام رفسنجانی ضمن اشاره به آرزوهای فراوان ملتس به جبهه جنگ، تاکید کرد: «ما باید برای يك جنگ درازمدت خود را آماده کنیم».

بقیه در صحنه ۴

دولت امریکا باید به اراده مردم ایران و به خط امام در مورد «گروگانها» گردن نهاند

مخالفت درآمنده، به دانشجویان مسلمان بیرون خط امام بهت ها زنده انگاری چورانه و سادگانه آثاری با خصمی زبون به استیضا گرفته اند، در تصدیق نفوذ و اعتبار آنها کوشیدند... و هنوز هم پاهای گروه لاتینهای خود در ظاهر و زیر پرده ادامه میدهند.

۲- نیروهای راستین انقلاب (ایران صادق و طابع خط امام) که از عمل دانشجویان پشتیبانی

ما، یعنی جنبه ضد امپریالیستی جنبه خلقی آن بود، از همین جهت نیز از همان روز نخست این عمل انقلابی دانشجویان مسلمان بیرون خط امام بطور عمده یا در برخورد متضاد رو برو گردید:

۱- عناصر سازشکار لبرال (برفرداران خطی که پس از آفندی نامه گارت بر روی نسکی به ولی، بنام حفظ پریشکی، موسوم شد) با این عمل انقلابی از در

مشکلهای که به نام مسئله «گروگانها» شرت یافته است، یکجته دقیق رهبر انقلاب و بیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی، در واقع مسئله انقلابی-تجزیاتی از انقلاب ارزه است. عمل دانشجویان مسلمان بیرون خط امام در حقیقت سر آغاز مرحله جدید و پس بهر انقلاب شکوهمند ایران بود، مرحله ای که سر آغاز تمیق جدی هر دو جنبه اساسی انقلاب شکوهمند

رژیم ضیاء الحق، چهره امریکائی خود را اتمام و کمال آشکار ساخت

داشتن چنین شبیهی حداکثر پس از ملاقات چند روز پیش این عنصر سرسره به جیبی کاری از میان رفت، از گفتگوی پشت پرده ارباب و لوگ که یکدیرم آنچه که مسلم است، پس از این دیدار اعلام شده که، رئیس جمهوری آمریکا بر کف صدقات نظامی آن کشور در قبال پاکستان، پروژه در چارچوب قرارداد دوجانبه نظامی میان آمریکا و پاکستان، تاکید کرده است.

پاکستان از اواسط سالهای پنجاه در دکریمنده آمیتیه ضد کشورهای سوسیالیستی، پروژه انضاد شورویته شرکت فعال داشته است. این کشور، نه تنها از سال ۱۳۳۴ عضویتان امپریالیستی مستیته و از سال ۱۳۳۶ عضو پیمان امپریالیستی ایدناه بوده است (که از سال ۱۳۳۸ پیمان مستیته نام گرفت)، بلکه از سال ۱۳۳۸ تاکنون با ایالات متحده آمریکا نیز قرار داد دوجانبه نظامی دارد.

قرارداد نظامی دوجانبه میان آمریکا و پاکستان، همزمان با قراردادهای نظامی دوجانبه میان آمریکا و ترکیه و آمریکا و ایران-شاهنشاهی انضاد یافت و نه تنها حمایتی ضروری به آنها دارد، بلکه بر پایه هدف مشترکی نیز استوار بوده است.

آمریکا که خود در سدهای عضو کیمیل مستیته نسیده، از راه قراردادهای نامبرده به محور اصلی این پیمان تجاویز کار تبدیل شد. این قراردادهای پروژه، پس از خروج ایران از مستیته و فریبانی پیمان مذکور، اهمیت ویژه کسب کرد.

جیمی کارتر در روزهای خود با ضیاء الحق، تهدات خویش را نسبت به پاکستان در چارچوب قرارداد توسعه پیمان نظامی میان دو کشور، تاکید کرد.

خبرگزاریها

من اقتصاد کشور را باستان کامل و ایستاد به امریکاست.

قطب زاده

پاکستان کشور مستیته است و بر تانهای آنها در چارچوب امپریالیسم و جنگ کشور خودشان می یابند. نظر نامه ای که منافع پاکستان را تامین کند، مورد تایید ما نیز می باشد.

دکتر یزدی

(تلاش سادگی - ۴ فروردین ۵۹)

اگر در حمایت و پشتیبانی رژیم ضیاء الحق به امپریالیسم آمریکا کوچکترین تردیدی برای برضی عناصر صدیقی، ولی ناگاه وجود

لرای مبارزه با امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد نسویم!

کانون صنفی فرهنگیان تجاوز و وحشیانه مزدوران بعثی عراق را بخاک مهین عزیز بشدت محکوم میکند، و همه دانش آموزان و معلمان انقلابی کشور را به دفاع از جمهوری اسلامی ایران و حفظ دستاوردهای انقلاب فرامیخواند

انقلاب کبیر خداپروریستی و مردمی ایرانیه رهبری امام خمینی پایه های حکومت خودکامه و پویا سلطنتی و سلطه استعماری و نواستعماری را در کشور ما درهم فرود ریخت و انقلابی تازه ای را بسود کشورهاى تحت ستم و بیژان امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امپریکاگن گشود. از اینرو دست نشاندهگان امپریالیسم در منطقه و امپریالیسم داخلی برای انزال، تشویق و سرانجام سرکوبی انقلاب ایران به دست و پا انداخته و در پی فتنه انگیزی عراق در این زمینه پیشقدم گردیدند. رژیم مزدور بعثی عراق، ابتدا با کمک مالی و نظامی به بازماندهگان و سرسپردهگان حکومت تکثیر پولوی و دستهای ضدانقلابی و منحرف در غرب و جنوب کشور و با ایجاد آشوب و فتنه، کوشید تا پایگاههای برای ضدانقلاب و امپریالیسم شکست خورده دست و پا کند و چون از این تحریکات خائنه اطلاع نداشت، ابتدا آنگون به تنهایی امپریالیسم آمریکا با کشور ما وارد یک جنگ نامبار شد.

امپریالیسم میخانه که سلطه های سوزان انقلاب ایران زوده این منطقه مهم سوزان جیبی را در پی خواهد گرفت و کاغذی استبداد و استبداد حکومت جبار بعثی عراق و سایر دولتهای مزدور را در منطقه به ناکستی منتهی خواهد کرد. از اینرو امپریالیسم آمریکا برای ادامه فتنه انگیزی در منطقه، این جنگ تکمیلی را با نام مؤلفه و مذبحخانه تلاش می کند که دست و پا زدن مزدوری چون صدام حسین و ضدانقلاب داخلی، جمهوری اسلامی ایران را در هم بشکند و مجدداً سلطه بیخ خود را در زمین ما برقرار سازد.

اما خلق پیاخته و قهرمان ایران با وحدت کلمه و عمل تحت رهبری امام خمینی مسکاتار خرمند انقلاب

با مملعتا متشکل در کانون صنفی فرهنگیان حمله و تجاوز وحشیانه مزدوران بعثی عراق را بخاک مهین عزیز بشدت محکوم می کند و تمام نیرو و امکانات خود را در اختیار ستاد صنفی مستقیم، ستاد پاسداران و سایر نیروهای دفاع جمهوری اسلامی می گذاریم و اعلام می کنیم که تا آخرین قطره خون خویش آماده ایم که در کنار برادران قهرمان و جان برکف پاسدار و ارتشی برای حفاظت از انقلاب و استقلال وطن و جمهوری اسلامی دفاع کنیم.

تنگ و نرفت بر حکومت مزدور بعثی عراق، این سنگ زنجیری امپریالیسم آمریکا کانون صنفی فرهنگیان

خلق عراق...

پس از استقرار مجدد سلطه خود پرستان عراق، جریانها برای انداختن که عراق در پیست و تقویت مام گرفته است یعنی تبدیل کردن اجباری به عرب و کوجانان اجباری از محل سکونت خود، صدام با یکبارگی این دو جریان اول و دوم، فرمان مشهوری را صادر کرد و از هر یک از مناطق عراق که در زیر سلطه عراق بود، لایا صدها هزار نفر کرد را بزور از کردستان به مناطق عربنشین جنوب عراق برای همیشه تبعید و بجای آنها عربها را آورد. طبق دستور رژیم صدام حسین در سراسر نواحی مرزی مناطق کردنشین هموز با ایران ترقیه، یک نوار پهن ۲۰ کیلومتر را به منطقه خالی ساخته و تبدیل کرده یعنی در کردستان عراق، اهالی منطقه ای بطول تقریب ۲۰۰ کیلومتر و پهنی ۲۰ کیلومتر از بزور از دستها و قسبات به داخل کشور کوچاندند با بولمورد و بس و دیانتیت این روستاها را ویران کردند. با این اقدام سیه و ناکستارها را اکثر طبع سوده و یا آتش زنده و با این اقدام خشکانند. برای اینکه امکان زندگی و اندا امکان بازگشت و سکونت در این مناطق دیگر و بجز نداشتند، بنده، ماسوران صدام منابع آب را ویران کرده و حتی چشمه ها و چاههای آب را در این مناطق یا منجم نموده و یا حتی سیمان دیزی کردند.

تبعید اجباری روستاییان ایرانی-الاسلام را عراق آورد یکی از ورفاچه ترین صفحات تاریخ عراق اسیر را تشکیل میدهد. رژیم صدام که خود را سوار بر سر مراد گمان میکرد - گمان میکرد که دیگر حکومت را بدست گرفته و نیازی به عوام فریبی و مصلحتانه ندارد. بتدریج آنسر چاقی را بر گرداند و چون گریگ گرسنه ای که به آغل گوسفندان وارد میشود، بماند و واقی کله یا چنگ و دندان بجان همه نیروهای اتحاد گمستوبای واقی عراق قرار دارد. صدام دروغ خود را که گریگ خوشخور و پاک و صفا و پاک است با قیافه دیگری است با ایرانی می توانیم صدام تکریمی را شایع تریح سراسر پناهی از این مفرق و واقع ترین

دولت امریکایی

پس از سنده ۱ سارزیا امپریالیسم بعثی کردگی آمریکا تسلیم در مقابل خواست های آن، باز کردن راه برای اجباری سلطه آن (پس از سقوط ضدانقلابیستی انقلابی) و حفظ نظام سرمایه داری است. بزورگ بالکی در کشور (یعنی نابودی جنبه خلقی انقلاب)، از یک سو - از طرفی راه عدم صلح و سازش با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، حفظ و تحکیم استقلال و آزادی ضدانقلاب، پیشبرد نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی زودتر کردن هر دو جنبه ضدانقلابیستی و خلقی انقلاب شکوه مند ایران، از سوی دیگر است.

این مبارزه جدی بهر آن خود مسئله گروگانها، از زودتر جامعه به چالش برسی از اسلامی ایران منتقل گردیده و پس از بحث های تند و شدید، بالاخره با رد هرگونه مذاکره مستقیم یا غیر مستقیم با دولت آمریکا و یا نمایندگان آن دولت در سراسر گروگانها، به پیروزی ابراه مردم و خط امام در مجلس منجر شد. جز این مبارزه مجلس شورای اسلامی ایران انتظار نداشت.

امروز دیگر این حقیقت بر همگان روشن شده است که ضدانقلابیست امپریکا مدتها پیش از انقلاب بر خاسته و تقویت های گسترده ای علیه آن و به منظور به بیراهه کشاندن آن طرح ریزی کرده بود که چنگ فحشلی رژیم بعثی صدام حسین و تجاوز سلطه به مرزها و سایر

دولت امریکایی باید همه اموال غرضی شاه ملعون را به صاحبان اصلی آن، که مردم زحمتکش و مستضعف ایرانی هستند، مسترد دارد. دولت آمریکا باید کلیه اموال ایران در بانکهای امریکایی و این مدت به دولت و مردم ایران وارد شده است، بپردازد.

دولت امریکایی باید عناصر ضدانقلابی، ساواک و ژنرال های فراری ارتش آمریکاموسری (از بیخبرها و زنها گرفته تا اویسها و پازولانها، آرتانها و همکارهای شانان، اناست و فساد پولوی) را که زیر پای و بر خود و همستار خود گرفته

دولت امریکایی باید همه اموال غرضی شاه ملعون را به صاحبان اصلی آن، که مردم زحمتکش و مستضعف ایرانی هستند، مسترد دارد. دولت آمریکا باید کلیه اموال ایران در بانکهای امریکایی و این مدت به دولت و مردم ایران وارد شده است، بپردازد.

دولت امریکایی باید عناصر ضدانقلابی، ساواک و ژنرال های فراری ارتش آمریکاموسری (از بیخبرها و زنها گرفته تا اویسها و پازولانها، آرتانها و همکارهای شانان، اناست و فساد پولوی) را که زیر پای و بر خود و همستار خود گرفته

دولت امریکایی باید عناصر ضدانقلابی، ساواک و ژنرال های فراری ارتش آمریکاموسری (از بیخبرها و زنها گرفته تا اویسها و پازولانها، آرتانها و همکارهای شانان، اناست و فساد پولوی) را که زیر پای و بر خود و همستار خود گرفته

دولت امریکایی باید عناصر ضدانقلابی، ساواک و ژنرال های فراری ارتش آمریکاموسری (از بیخبرها و زنها گرفته تا اویسها و پازولانها، آرتانها و همکارهای شانان، اناست و فساد پولوی) را که زیر پای و بر خود و همستار خود گرفته

دولت امریکایی باید عناصر ضدانقلابی، ساواک و ژنرال های فراری ارتش آمریکاموسری (از بیخبرها و زنها گرفته تا اویسها و پازولانها، آرتانها و همکارهای شانان، اناست و فساد پولوی) را که زیر پای و بر خود و همستار خود گرفته

حجت الاسلام رفسنجانی رئیس مجلس

پس از سنده ۱ سارزیا امپریالیسم بعثی کردگی آمریکا تسلیم در مقابل خواست های آن، باز کردن راه برای اجباری سلطه آن (پس از سقوط ضدانقلابیستی انقلابی) و حفظ نظام سرمایه داری است. بزورگ بالکی در کشور (یعنی نابودی جنبه خلقی انقلاب)، از یک سو - از طرفی راه عدم صلح و سازش با امپریالیسم، به سرکردگی آمریکا، حفظ و تحکیم استقلال و آزادی ضدانقلاب، پیشبرد نظام جمهوری اسلامی ایران، یعنی زودتر کردن هر دو جنبه ضدانقلابیستی و خلقی انقلاب شکوه مند ایران، از سوی دیگر است.

منافع شوروی با آمریکا یکی نیست

رئیس مجلس دموور ملاقات ملک حسین از اتحاد شوروی و اینکه این ملاقات چه اثری در منطقه خواهد داشت، ضمن تأکید بر این نکته که ما با تهرهای که داریم شاه حسین را مسترد در دامان آمریکا می بینیم

ماوسوریه والجزایر محرم اسرار

حجت الاسلام رفسنجانی دموور کشورهای سوریه، الجزایر، پاکستان و ترکیه گفت: ما با کشورهای مثل سوریه و الجزایر خیلی صمیمی هستیم (ما) محرم اسرار همدیگر هستیم. کشورهای دیگری هستند که در رابطه با سیاست خارجی آنها، مسائلی وجود دارد که انقلاب اسلامی ایران نمی تواند خود را با آنها متعلق بکند.

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

تأیید صدام بی رحم به کشور ما یک تهدید ضدانقلابی است. ول هیستینگ برادران ما با تمام نیروهای رژیم ضد بعثی، صدام حسین انجام وظیفه و جدان و انقلابی خواهد بود.

باید شایعه‌سازان را بعنوان عناصر ضد انقلابی مجازات کرد

شایعه‌سازی و شایعه پراکنی، بحثی است که تا پیش از جنگ جهانی دوم، در حلقه‌های روشنفکران و روشنفکران غربی، به ندرت مطرح می‌شد. اما در جنگ جهانی دوم، این موضوع به یک موضوع بسیار مهم و حیاتی تبدیل شد. در این جنگ، شایعه‌سازی به یک سلاح بسیار خطرناک و موثر تبدیل شد. شایعه‌سازان با پخش کردن اخبار کذب و ترسناک، روحیه دشمنان را تضعیف کرده و روحیه سربازان خود را تقویت می‌کردند. در نتیجه، شایعه‌سازی به یک عامل بسیار مهم در پیروزی نهایی نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم تبدیل شد.

پراکنندگان بیشتر افراد پر حرفه نیروی متزلزل، ساده لوح و سنت‌گرا هستند. که صرفاً برای اینکه زنده بمانند و با اظهار لجاجت و اطاعت کرده باشند. حمل شایعه‌سازی قرار می‌گیرد معمولاً یک کلاغ را هم چهل کلاغ می‌کنند. زیرا آن که آن‌ها بدلیل این کارهای خلافی که انجام می‌دهند، سودی که به دشمن می‌رسانند بسیار زیاد است. نیروهای گاه موظفند که آن‌ها را به مسئولیت اجتناب ندهند. و در صورت لزوم، در برابر آن‌ها شت عمل ندان دهند. آنجا که پای خلق و انقلاب در میان است، جای تعارف نیست.

مبارزه با شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در حال حاضر که ما با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در جنگیم، به بی‌شماران یک ضرورت جنگی تلقی کرده. شایعه‌سازان و شایعه پراکنان می‌توانند زبانه‌های جبران ناپذیری به ارتش ما و کشور ما وارد سازند. آقای بهمنی در همین مورد، در همین سفر اخیر خودشان به اهواز، تأثیر شایعه‌سازی و شایعه پراکنی را چنین توصیف می‌کنند:

«در اهواز خبرهایی منتشر شده بود که روحیه سربازها با پخش شایعه تضعیف می‌شود. مثلاً شما وقتی که می‌گویید ۲۰۰ تانک به طرف اهواز می‌رود، خوب این سربازی که دارد در جبهه می‌بندد، تا شنیدن این خبر می‌گریزد، نگرند من در محارم، و به طور کلی روحیه‌اش را از دست می‌دهد. ولی خوب این ایمان زیاد است که آنها را در آنجا نگاه داشته است.»

آنچه آقای بهمنی می‌گویند یک نمونه کوچک از شایعه‌سازی و شایعه پراکنی است. شایعه‌سازی و شایعه پراکنی نمونه‌ها، ابزار جنگ روانی است. مقیاسی بی‌شمار گسترده‌تر از زبان‌های تک دارد، که هدف آن تضعیف روحیه سربازان گردان یا هنگ و لشکر نیست بلکه تقویت ذهن و قدرت مقاومت روحی یک ملت است. در دوران پس از انقلاب در هر یک از پیچ‌های تاریخ، عوامل پیدا شده‌اند که خواه بدلیل ارتباط مستقیم، شان با دشمن و خواه بر حسب موقعیت طبیعی و طرز تفکر بهیچ‌گونه خودشان نقش‌سوداگران جنگ روانی نبود دشمن را بهیچ‌گونه گرفته‌اند.

این تانک‌ها در حال حاضر که ما با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در جنگیم، به بی‌شماران یک ضرورت جنگی تلقی کرده. شایعه‌سازان و شایعه پراکنان می‌توانند زبانه‌های جبران ناپذیری به ارتش ما و کشور ما وارد سازند. آقای بهمنی در همین مورد، در همین سفر اخیر خودشان به اهواز، تأثیر شایعه‌سازی و شایعه پراکنی را چنین توصیف می‌کنند:

جنگ روانی در جنگ جهانی گذشته و بخصوص در جنگ جهانی دوم وسعت بی‌سابقه‌ای یافت و در حال حاضر به یکی از مهم‌ترین رشته‌های هنر جنگ تبدیل شده است.

امروز امپریالیست‌های آمریکایی و سوسیالیست‌ها در جهان و منطقه ما اهداف جنگ گسترده روانی قرار داده‌اند. این شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در جنگ ایران آنها در این جنگ بسیار مؤثر بوده است. از تأثیر این جنگ روانی نباید غافل بود. هر چند نیروهای مسلح ما و در پیشانی پهنای آنها با سازمان عزیز ما از ایمان و روحیه انقلابی ممتاز برخوردارند، لیکن نباید به فرومون کرد که ایران در دوران طاقت (۲۰ پانزده) به یک کشوری شایعه‌ساز و شایعه پراکنی بود.

مبارزه با شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در حال حاضر که ما با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در جنگیم، به بی‌شماران یک ضرورت جنگی تلقی کرده. شایعه‌سازان و شایعه پراکنان می‌توانند زبانه‌های جبران ناپذیری به ارتش ما و کشور ما وارد سازند. آقای بهمنی در همین مورد، در همین سفر اخیر خودشان به اهواز، تأثیر شایعه‌سازی و شایعه پراکنی را چنین توصیف می‌کنند:

امروز امپریالیست‌های آمریکایی و سوسیالیست‌ها در جهان و منطقه ما اهداف جنگ گسترده روانی قرار داده‌اند. این شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در جنگ ایران آنها در این جنگ بسیار مؤثر بوده است. از تأثیر این جنگ روانی نباید غافل بود. هر چند نیروهای مسلح ما و در پیشانی پهنای آنها با سازمان عزیز ما از ایمان و روحیه انقلابی ممتاز برخوردارند، لیکن نباید به فرومون کرد که ایران در دوران طاقت (۲۰ پانزده) به یک کشوری شایعه‌ساز و شایعه پراکنی بود. در دوران پس از انقلاب در هر یک از پیچ‌های تاریخ، عوامل پیدا شده‌اند که خواه بدلیل ارتباط مستقیم، شان با دشمن و خواه بر حسب موقعیت طبیعی و طرز تفکر بهیچ‌گونه خودشان نقش‌سوداگران جنگ روانی نبود دشمن را بهیچ‌گونه گرفته‌اند. یکی دو هفته قبل از آنکه حکومت خیانتکار بعثت عراق نخستین بمب‌های خود را بر سر ما فرو ریزد، برخی از معارضان نیز برای جبران و جعال بسراغ انداختند که انقلاب ایران در صحنه گیتی "منزوی" شده است، "شرق و غرب" را...

مبارزه با شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در حال حاضر که ما با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در جنگیم، به بی‌شماران یک ضرورت جنگی تلقی کرده. شایعه‌سازان و شایعه پراکنان می‌توانند زبانه‌های جبران ناپذیری به ارتش ما و کشور ما وارد سازند. آقای بهمنی در همین مورد، در همین سفر اخیر خودشان به اهواز، تأثیر شایعه‌سازی و شایعه پراکنی را چنین توصیف می‌کنند:

مبارزه با شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در حال حاضر که ما با امپریالیسم آمریکا و رژیم بعثی عراق در جنگیم، به بی‌شماران یک ضرورت جنگی تلقی کرده. شایعه‌سازان و شایعه پراکنان می‌توانند زبانه‌های جبران ناپذیری به ارتش ما و کشور ما وارد سازند. آقای بهمنی در همین مورد، در همین سفر اخیر خودشان به اهواز، تأثیر شایعه‌سازی و شایعه پراکنی را چنین توصیف می‌کنند:

مناصفانه کسانی هم در روزنامه‌ها انقلاب اسلامی یک منصفه کامل را آشنا کرده‌اند. تا با تحریف آشکار حقایق ثابت کنند که انقلاب ایران نه در بین کشورهای امپریالیستی و نه در بین کشورهای "جهان سوم"، حتی کشورهای نظریستی و سوسیالیستی، پیشتیانی ندارد. آقایان اما در میان خلقها و دولتهای جهان دوستان وفادار و موافقان زیادی داریم. اما هدف اصلی دشمنان ما - طبق رهنمود برژنیسکی - آنست که با روابط ما و این دوستان اخلال کنند و سپس رژیم بعثی را منزوی کرده، بر آن فریب‌ناهایی را وارد سازند.

لزم نیست شما را در میان خلقها و دولتهای جهان دوستان وفادار و موافقان زیادی داریم. اما هدف اصلی دشمنان ما - طبق رهنمود برژنیسکی - آنست که با روابط ما و این دوستان اخلال کنند و سپس رژیم بعثی را منزوی کرده، بر آن فریب‌ناهایی را وارد سازند. لزم نیست شما را در میان خلقها و دولتهای جهان دوستان وفادار و موافقان زیادی داریم. اما هدف اصلی دشمنان ما - طبق رهنمود برژنیسکی - آنست که با روابط ما و این دوستان اخلال کنند و سپس رژیم بعثی را منزوی کرده، بر آن فریب‌ناهایی را وارد سازند.

در این جنگ جهانی گذشته و بخصوص در جنگ جهانی دوم وسعت بی‌سابقه‌ای یافت و در حال حاضر به یکی از مهم‌ترین رشته‌های هنر جنگ تبدیل شده است.

امروز امپریالیست‌های آمریکایی و سوسیالیست‌ها در جهان و منطقه ما اهداف جنگ گسترده روانی قرار داده‌اند. این شایعه‌سازی و شایعه پراکنی در جنگ ایران آنها در این جنگ بسیار مؤثر بوده است. از تأثیر این جنگ روانی نباید غافل بود. هر چند نیروهای مسلح ما و در پیشانی پهنای آنها با سازمان عزیز ما از ایمان و روحیه انقلابی ممتاز برخوردارند، لیکن نباید به فرومون کرد که ایران در دوران طاقت (۲۰ پانزده) به یک کشوری شایعه‌ساز و شایعه پراکنی بود. در دوران پس از انقلاب در هر یک از پیچ‌های تاریخ، عوامل پیدا شده‌اند که خواه بدلیل ارتباط مستقیم، شان با دشمن و خواه بر حسب موقعیت طبیعی و طرز تفکر بهیچ‌گونه خودشان نقش‌سوداگران جنگ روانی نبود دشمن را بهیچ‌گونه گرفته‌اند. یکی دو هفته قبل از آنکه حکومت خیانتکار بعثت عراق نخستین بمب‌های خود را بر سر ما فرو ریزد، برخی از معارضان نیز برای جبران و جعال بسراغ انداختند که انقلاب ایران در صحنه گیتی "منزوی" شده است، "شرق و غرب" را...

امپریالیسم بریتانیای هنوز زنده است و در نوطه انقلاب ایران شریک امریکاعلیه انقلاب ایران شریک

دست بعثت هم داد فریب که جاسوسی وسیعی برای براندازی جمهوری اسلامی، به نام محمود اسفندی از طرف آنها وجود آورده است. در اطلاعیه‌های سازمان آمده است که: «چون بریتانیا کار اسفندی اطمینان یافته است، این شرکت‌ها نقش سفارت‌های کشورهای جهان را در غربت و کمپانی‌های بزرگ بین‌المللی تأمین می‌دهند.»

تاریخ معاصر ایران دربروایت می‌تواند به ما نشان دهد که تا پیش از جنگ جهانی دوم، شایعه‌سازی به یک موضوع بسیار مهم و حیاتی تبدیل شد. در این جنگ، شایعه‌سازی به یک سلاح بسیار خطرناک و موثر تبدیل شد. شایعه‌سازان با پخش کردن اخبار کذب و ترسناک، روحیه دشمنان را تضعیف کرده و روحیه سربازان خود را تقویت می‌کردند. در نتیجه، شایعه‌سازی به یک عامل بسیار مهم در پیروزی نهایی نیروهای متفقین در جنگ جهانی دوم تبدیل شد.

اختیار این سازمان جاسوسی کرده شده و رهبری آن نیز به بدست دشمنی غیر انگلستان در ایران بوده است. پس از کشف این شبکه، که در یک امکان فعالیت خرابکارانه از سازمان دیپلماتیک طبق شد، در انگلستان زندانبانان ما را ترک گفت و عملاً روابط سیاسی انگلستان و ایران به حال تعویق درآمد. جریات کار این شبکه جاسوسی هنوز سفارشی نشده است. اما آنچه که تا کنون وسیله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در ارتباط با این شبکه در روزنامه‌ها منتشر شده، نشان‌دهنده مسبق توطئه امپریالیست‌های انگلیسی بر ضد انقلاب ایران است.

بقیه در صفحه ۴

کارگران و وظایف آنان در قبال دفع تجاوز نظامی رژیم بعثی عراق و دفاع از انقلاب

فراز دهد و دست‌نهیگار خدایان را از توطئه و طامع‌های خود برکنار کند. اینست وظیفه‌های عظیم در سطح کشور است که به انجام آن در به قدرت‌طلبی کارگران که هر چه از تولید ثروت و زندگی با دست و فکر آن بخت‌در می‌آید...

از خصوصیات و ویژگی‌های خاص در کشور ما اینست که، طبقه کارگران ایران نه فقط در پشت‌پرده باید با کسار شبانه‌روزی خود از مین انقلاب دفاع کند، بلکه هم‌چنین اسلحه بدست در جبهه جنگ‌شکست‌ناپذیر، کارگران ایران در خوزستان و در گریمانشان، و در مقدم آنان کارگران و کارمندان انقلابی صنعت نفت ایران، به شهادت فداکاریها و جان‌باختاریها خود استخوان بندی دفاع ما شده است از مین و انقلاب در برابر تجاوز پلشیرمانه و راهزنانانه نیروهای نظامی رژیم بعثی عراق و تشکیل می‌دهند. می‌توان بهر حال به درستی اعلام کرد که، پایه ناکامی و شکست نظامی ارتش تجاوزگر بعث عراق در غرب و جنوب غربی کشور از وسوسه طبقه کارگر ایران در این خط ناشی می‌شود که در مبارزات مسلحانه طبقه کارگر ایران، بلکه از هفتاد سال به اینطرف فرا گرفته است.

درد پرشور بر کارگران شهرستان ایران در خوزستان و غرب کشور، که سیمای پرافتخار طبقه کارگر ایران را به عنوان طبقه‌ای که قادر است از مین انقلابی در برابر توطئه و تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور بعثی عراق با توانایی دفاع کند، پایه جهان‌نیان شناسانده و می‌شناساند. طبقه کارگر ایران در لطفه تاریخی کنونی نه فقط وظایف انقلابی خود را در دفع تجاوز نظامی و دفاع از انقلاب با سرلبندهی و افتخار انجام می‌دهد، بلکه با گام‌های سریع در جهت رشد آگاهی سیاسی و درک موقعیت اجتماعی و طبقاتی خود می‌جهد. با داشتن چنین طبقه‌ای، انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران با قدرت است مشکلات همگن‌تری را از سرگذراند و دوام و قوام و پیروزی قطعی و نهایی خود را تأمین کند. در این مسیر، تردیدی نباید داشت.

بپردازند و برای بازسازی نیروها داده کار و موسسات تأسیس دیده، تمام تلاش شبانه‌روزی خود را بکار برند. انجام این وظایف، اهمیت بی‌درنگ در شرکت مستقیم در جبهه جنگ دارد. کارگران بخوبی می‌دانند که هر ساعت کار آنان در اجبار فوری خسارات ناشی از جنگ به اقتصاد ایران، کمک موثری در جهت بازسازی است برای پیروزی برداشتن و تجاوز و وادار ساختن آن به تسلیم در جبهه.

فدا انقلاب در کشور ما هنوز موضوع مهمی در اقتصاد و اجتماع ایران ندارد. مهربان در امر تولید، از کار انداختن عمدی کارخانه‌ها، خرابکاری در توربین مستورد به اموال عمومی، گران کردن ممنوعی کالاها و ضروری اقدام به احتکار و پنهان داشتن مواد خام ضروری و جلوگیری از رسیدن موقوف کالاها تولید شده به مصرف‌کننده، از نمونه‌های گوناگون خرابکاری عمدی فدا انقلاب است. هدف از این خرابکاریها و وسوسه دیگران اینست که، موانع اقتصادی جمهوری اسلامی در برابر تجاوز خارجی ضعیف‌تر و توسعه عدم رضایت در مردم، موجب تضعیف نوازع انقلاب را فراهم آورد.

کارگران در جنبش ساختن همه توطئه‌های فدا انقلاب در امر تخریب اقتصاد کشور وظیفه جدی و مهمی بعهده دارند. نگاه شایسته‌ای به کارگران، اعم از خوراکی و انجمن و سندیکا، باید فدا انقلاب و اعمال و نیت خرابکارانه آن را از قبل شناسایی کرد، امکانات توسعه تولید و تقویت اقتصاد ملی را مورد استفاده

دستان فدا انقلابی آنها در داخل کشور فرود آید. هدف امپریالیسم تجاوزگر جهانی، تسخیر کنونی امپریالیسم آمریکا و ضد انقلاب پرورده آن، محتل ساختن امور تولید و محتاج ساختن اقتصاد کشور، حتی از نظر کالاهای ضروری و مورد نیاز عامه به خارج است. وظیفه کارگران در سطح کشور و هر کارگری در پشت هر دستگاه عبارت از آنست که، با تولید بیشتر و در یافتن با زهدی بیشتر از کار خود، به تولید کالاهای ضروری، بوسه مواد خوراکی، سوخت، پوشاک دارو، تولیدات صنایع فلزی، صنایع مورد نیاز جبهه و انجام خدمات بهداشتی بپردازد.

تولید بیشتر و خدمات زیاده‌دستر و مفیدتر - این شعار عمده کارگران در لطفه کنونی به منظور تأمین پیروزی در جبهه و استحکام انقلاب در داخل کشور است. جنگ راهزنانانه رژیم بعثی عراق علیه ایران در جبهه و پشت‌پرده با خرابکاری‌های جدی برای اقتصاد کشور، اعتد از صنایع، راه‌ها، حمل و نقل و حتی کشاورزی همراه است. وظیفه مهم و جدی کارگران در این لطفه تلخی و کوشش شبانه‌روزی به منظور ترمیم سریع خرابیهای ناشی از جنگ، محدود نگاه داشتن دامنه خسارات و بکار انداختن فوری هر واحدی است که در نتیجه جنگ آسیب می‌بیند. مدتها هزار کارگران ایران، که در صنایع مختلف و در فرودگاه‌ها و بنادر، چه در سربازخانه‌ها و شهرها، چه در راه‌ها و سازمان‌های حمل و نقل و ارتباطات و وظیفه خود می‌دانند که بیدارنگ به ترمیم خرابیها

جنگ اعلام نشده امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران، که مرحله اول آن با تجاوز نظامی غافلگیرانه رژیم بعثی عراق به ایران به اجرا گذاشته شده، طبقه کارگر ایران را در برابر وظایف جدیدی قرار داده است این وظایف، اگر بخوابیم در یک جمله بیان کنیم، عبارتند از: ازدیاد بیش از پیش، تولید داخلی، ترمیم سریع خرابیهای ناشی از جنگ حفظ و حراست کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، خطوط موصلات و ارتباطات از خرابکارهای عمدی فدا انقلاب - و بلاخره آنجا که ضرورت دارد - شرکت در دفع مین جبهه برای سرکوب نیروهای نظامی دشمن. در میان طبقات و اقشار اجتماع ایران هیچ طبقه دیگری مانند طبقه کارگر در قبال دفع تجاوز نظامی و دفع از انقلاب در داخل مسئولیت ندارد. طبقه کارگر کنشگرانه‌ترین نیروی مستوردترین و پرستولیت‌ترین طبقه جامعه کنونی ایران است. بار سنگین دفاع از مین انقلابی پیروزی قطعی انقلاب سرکوب‌دشمنان داخلی و تجاوزگران خارجی بطور عمده بر دوش طبقه کارگر است، که باید در جبهه‌ها و یونگان کوشش کند، با وسوسه‌های اقتصادی، ترمیم خرابیها، تأمین نوازع جبهه جنگ و حتی شرکت مستقیم در جبهه کار شبانه‌روزی خود را و شجاعت تأمین موفقیت قرار دهد.

همه طبقات و اقشار زحمتکش و مترقی جامعه در قبال انجام وظایف مهمی و انقلابی خود در لطفه کنونی احساس مسئولیت می‌کنند. اما پیداست که احساس مسئولیت طبقه کارگر ضروری‌تر کارمندان و مهندسان است. تسخیر کار و کوشش شبانه‌روزی کارگران ایران در لطفه کنونی، که انقلاب ایران پس از محاصره اقتصادی و استازن‌های سیاسی امپریالیسم، امپریالیسم امپریالیسم آمریکا، با تجاوز نظامی خائنانه رژیم مزدور بعثی عراق مواجه شده، قبل از همه در افزایش تولید، بوسه تولید کالاهای ضروری، چه برای مصرف عمومی و چه برای تأمین جبهه، تسخیر پیدا می‌کند. افزایش تولید هر کارخانه و کارگاه، بالا بردن بازدهی کار در هر واحد، در لطفه کنونی آن فرجه اساسی و اصلی است که باید بر سر سر متجاوزین نظامی از خارج و هم-



صحنه یکی از کارگران به هنگام کار

کوه‌یوان بهمان: «کوه‌کندن، جان‌کندن است»

۱۲ ساله‌ای که بیش از نهمه می‌کند و می‌گوید: من برادرم سلطان، هر ۲ روز فقط یک ماشین سنگ در می‌آورم. من هر ماه یک باره، پدر و مادرم زندگی می‌کنم. در ده یک خانه کلی داریم که یک اتاق دارد، آن وضع خانه‌ام است و این هم وضع کارم. اصلاً کوه‌کندن جان‌کندن است. در خانه هم نمی‌مانم. در تابستان اینطور زیر گرما این‌همه می‌رویم، در زمستان هم باید با نداشتن خانه از بین برویم. آخر من یک گاری، توپان، سیان، ۲۰ توپان، ۲۰ توپان ۵ توپان، از کجا می‌توانم بخرم پوتانه درست و حسابی بسازم؟

فرو رفتن به چشم او را دارد. هیچ وسیله ای ندارد و با ابتدایی‌ترین وسایل کار. سخته کوه‌کندن. مشغول است. می‌گوید: در این گرما تقریباً هر دو روزی یک ماشین سنگ آماده می‌کنیم. سنگها را خودمان بار ماشین می‌کنیم و به او می‌دهیم. کار ما اینست که با این خرج گران، این پول به هیچ جا نمی‌رسد. خدا شاهد است ما پول نداریم به دکتر و دیوی فرزندمان برسیم. یک خانگی داریم که نمی‌توانم آنرا تعمیر کنم تا زمستان خطری نداشته باشد.



فرمانروایان باید باهم اتحاد داشته باشیم

کار او با اینهمه دشواری، از بالای حوادث نیز به دور نیست. او در ادامه صحبت‌هایش گفت: آقا بدبختی بزرگی است. اگر خدای نکرده کسی دچار حادثه شود، تمام زنده‌های بابا بدبختی دیویدگتر کند. کار سخت است و زور زیادی خواهد الا ن چند تا از جوانها برایش همین کار شکستنا باره شده و جراحی کرده‌اند. یک جوان هم انگشت خود را از دست داده است.

با آرزوی موفقیت برای او و همکارانش از او خدا حافظی کردم و برای صحبت کردن با یکی دیگر از معدنچیان جلوتر رفتم. از دور زیر سایه یک درخت، در دل جبن، ۲ نفر را دیدم که به استراحت نشسته بودند. راه خودمان را به طرف آنها گشودم. از اینکه در این گرما به کارمندان رفتم، متعجب گردیدم. جوابی مشکلات کارمندی - شان ندیدم. اینست فراموشی است. جوان است، ولی سختی کار او را فرسوده کرده و جوانی را از او گرفتار است. ۳۰ سال سن دارد هنوز ازدواج نکرده است. فراموش با دلی پرشور شروع به صحبت کرد: از ۱۰ صبح تا حالا بیگانه نشستم. به خاطر اینکه قلم و چکش نایاب است و دستهایم زاندر ناول زده، که نمی‌توانم کار کنم.

مانند پدیده‌های کوه‌یوان که کوه‌یوان بهمان، یک کوه‌یوان داشته باشیم، کارگران در این مریض شدند، لاف در کوه‌یوان با درد نمیزند و با خوشحالی بهیرند؟ کسی سکوت می‌کند و بعد می‌گوید: از زمانی که ما اینجا هستیم و کار می‌کنیم، دور هم جمع نشده‌ایم که لاف در فریاد بزنیم تا داد رسی پیدا شود. ما باید دور هم جمع شویم و نظایار داشته باشیم که هر دو شهر و از سگ‌زنان بخواد که به مشکلات ما رسیدگی کنند. به فرمانداری، به جهاد سازندگی، ما که نمی‌توانیم هر روز کارگران را رها کنیم و برویم دنبال این کارها، ولی اگر نماینده داشته باشیم نتایج اینکارها انجام می‌دهد.

او همچون از نداشتن امکانات رفاهی برای اهالی دهی که در آن زندگی می‌کند، می‌گوید: نه آبی، نه بخی، نه برقی، نه درمانگاهی فقط یک کوه‌یوان کتار ده می‌گذرد، که آبش مسوم است، به خاطر اینکارها که آلاخ، سنگ، با قاطر کمی میرد، در آب این اندازه زود هم از همین آب می‌خوریم و در آب می‌شویم. پول دکتر هم تمام حاصل زحمت ما می‌باشد. دهاتهای آن طرف شهر را برق دادند و تا الان جهاد سازندگی این طرفها نیامده است. آخر

در ۲۲ کیلومتری شهر بهمان به طرف جاده شیراز، حادن سنگ بسیاری وجود دارد. دهانفر از زحمتگرترین اقشار کارگران بهمان ما در آنها کار می‌کنند. شرایط کار اینها بسیار سخت و طاقت‌فرسا است. روزها از صبح زود تا غروب، زیر آفتاب سوزان، با چکش و قلم، در دل جبن، با مشغول کوه‌کندن سخت سنگهای عول می‌کنند. با حاصل کار خود را با کارمندان برای استفاده در شهر می‌کنند. با این وسوسه حتی نمی‌توانند با محتاج غذایی خود را تأمین کنند چه رسد به مسکن و بهداشت و... از حسین، کارگری که هفت سال سابقه سنگ‌بری دارد و دارای دو فرزند است. در مورد کار مشکلاتی می‌پرسم. می‌گوید: از صبح ساعت ۹ تا ساعت ۹ - ۱۰ کار می‌کنیم، با چکش و قلم ساعتها بر سنگ می‌کوبیم تا سست شود. ولی در این گرما نمی‌توانیم کار کرد. چکش و قلم به محدی داغ می‌شود که دستهایمان را بول می‌زند. قلم هم زود تیزی خود را از دست می‌دهد و برای تیز کردن آن ۲ ریال باید بدهیم که خیلی زیاد است.

کارگران مبارز ایران! در یک دست با ابزار کار و در دست دیگر با اسلحه، از مین انقلابی دفاع کنید

کارگران برای کمک به جبهه، رستوران کارخانه را تعطیل کردند

کارگران می‌باید در جنگ پیروز شویم
وقتی می‌باید در جنگ پیروز شویم

کاخ بیدار از بن کزیم خانه خراب را کنیم آباد

وقتی جزیره، هواداران، دوستان حزب و هواداران ما می‌خواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک ما می‌خواهیم...
کاخ بیدار خود را به نام رضا شلتوک، شماره پانزده ۸۶۸، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شیشه ایرانی، شمالی بزرگوارید.
توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

۴. ز. یک جوادار	۲۰۰۰ ریال
در جشن تهنیتوار (بیدار آزادی) از صحنه	۵۰۰۰ ریال
۵. د. دو سکه نینبوی سابق	۳۰۰۰ ریال
رضا و آرمین از رانندگرم	۳۰۰۰ ریال
گرمی از هواداران از صندوق تأمین اجتماعی	۱۰۰۰۰ ریال
نیا	۱۰۰۰۰ ریال
تکین	۱۰۰۰۰ ریال
چوشون	۲۰۰۰۰ ریال
غلامرضا، لطف	۲۰۰۰۰ ریال
ع. د.	۱۰۰۰۰ ریال
کسور	۱۰۰۰۰ ریال

رژیم ضیاءالحق چهره ...

چنانکه نینبایان، ایران، علیرغم کشیدن دولت موقت «کامپانی» در برهه ابتدای جنبش ضدامپریالیستی در کشورمان، سرانجام به این سیرت شکن رژیم وابسته شاه ملعون پایان داد.
پس از انقلاب شکوچند ایران و مداخلات امپریالیسم آمریکا و یارانش در افغانستان، چنانگونه به تحمیک همجانبه سنگرهای خود در پاکستان شتافت. در زمستان سال گذشته، جیس کاتر با رهبران برجسته «کسره» به توافق رسید، که قانون قطع واکنداری اسلحه با پاکستان لغو گردد (ایالات متحده آمریکا، بقل خود، میخواست با این قانون، پاکستان را از تکمیل برنامه اتمی خود باز دارد) آمریکا پس از انقلاب ایران و از دست دادن ایستگاههای سرامت نظامی خود در بلوچستان ایران، در خلق پاکستان و در نزدیکی تنگه هرمز به ایجاد ایستگاههای جدید دست زد.

یادآوری و تأکید تصدات آمریکا به رژیم ضیاءالحق در چارچوب بیان درجانبه نظامی، بروز از آنچه خود رسواگر است که، بیدرنگ پس از مأموریت میانجیگری ضیاءالحق در جنگ تحمیلی رژیم پشی صدام حسین بر ایران صورت بگیرد، دیدار ضیاءالحق - کاتر، چند ساعت پس از گزارش ضیاءالحق از سفر خود به تهران و بغداد به «کنفرانس کشورهای اسلامی» انجام شد. چنانکه میانجی، مردم و مقامات ایرانی، با وقوف به سرشت آمریکایی مأموریت میانجیگری اسلام آباد، سفر حسن نیت او را به شکست متشنه برای وی و اردیاباش بدل کردند.

ضیاءالحق از نخستین لحظات پیروزی انقلاب ۲۲ بهمن در توطئه‌های براندازی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران شرکت فعل داشته است. خرابکاریهای عوامل ضیاءالحق در بلوچستان ایران، سنگری نزدیک با رژیم‌های مستشاده آمریکا در منطقه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و دامنه‌ها به تبلیغات ضدشوروی درازپای با دیوهای افغانستان و بدستاری ستون پنجم امپریالیسم آمریکا در ایران، تنها چند نمونه بارز خوش‌خدمتی ضیاءالحق به اربابان آمریکایی خود بوده است.

مردم ما بوی می‌بندند که تجاوز رژیم پشی صدام حسین تنها جزئی از توطئه وسیع و تبه‌کارانه امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است. که بدستاری همه نیروها و دولت‌های ارضی منطقه اجرا می‌شود. بکنه تمام شیخی، ایران با آمریکادو جنگ است. رژیم که با امپریالیسم آمریکا قرارداد دو جانبه نظامی داده می‌بندد خود را دوستی ایران و میانجیگری چارچوب، حتی اگر سرگرم این رژیم چهره کریه آمریکایی خود را زیر پرده دلسازی می‌بندد.
مردم ما بدست است که دست‌انگیزه «مسلمانان» آمریکایی و مردان «ایران» آنها را خواهند دید.



امریکا در عمان پایگاه برای بمب افکن اتمی ایجاد میکند

در حالیکه تدارکات امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس به میانه دفاع از منابع حیاتی، آجابه دارد، هتنامه الکناج‌المری، چاپ بیروت خبر میدهد که پنج هزار تن از نیروهای مسلح و اکتش سریع، آمریکا وارد عمان شده‌اند.

بنوشته این هتنامه، آمریکا همچنین در عمان پایگاه‌های برای بمب‌افکن‌های اتمی خود ایجاد میکند. در چند روز گذشته، ژنرال دیوید جونز، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، در عمان و عمان و مصر با رهبران مستشاده این سه کشور مذاکرات سیاسی انجام داده و قرارداد برای انجام مذاکرات بیشتر را می‌تل‌آویز نمود. جونز در عمان از پایگاه‌های آمریکا دیدن کرده است. از سوی دیگر در ناوگروه آمریکایی و ناوهای هواپیمابر «مینیوی» و «آیزنهاور» در نزدیکی سواحل عمان مستقر شده‌اند. امپریالیسم آمریکا تلاش دارد متحدان خود را نیز وارد صحنه کند.

در پنتاگون، میان مقامهای نظامی آمریکا و وابسته‌های دریایی انگلیس، فرانسه، استرالیا و چند کشور دیگر مذاکراتی صورت گرفته است. یکتا هوایان استرالیا و دوکتش جنگی انگلیسی راه‌آقایانوسی هند و خلیج فارس شده‌اند. گفته میشود چند کشتی جنگی فرانسوی نیز بزودی وارد آقایانوسی هند خواهند شد.

مبارزه موفقیت آمیز بایسوادری در افغانستان

دکتر آناهیتا راننده، وزیر آموزش افغانستان، گفت که دولت انقلابی کشور برای دموکراتیزه کردن آموزش تلاش میکند و این هدف، در صورت اول مورد توجه است که همه مردم، صرف نظر از جنس، نژاد و مذهب، بطور برابر به آموزش دسترسی داشته باشند. وزیر آموزش افغانستان، که در اجلاس یونسکو سخن میگفت، اضافه کرد که برنامه وسیعی درباری ریشه کن کردن بیسوادی تنظیم کرده است.

از سوی دیگر گزارش میرسد که ده‌ها هزار تن از مردم افغانستان در کلاسهای مبارزه بایسوادی شرکت کرده‌اند. کلاسهای مبارزه با بیسوادی در همه کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، مزارع، شهرها و روستاها دایر شده است.

رئیس جمهوری هند: ملت‌های هندو اتحادشوروی را رشته‌های دوستی و همکاری ببندید

سانجیواری رئیس‌جمهوری هند، که از اتحاد شوروی دیدن میکند، گفت که ملت‌های هند و اتحاد شوروی را رشته‌های دوستی و همکاری در زمینه‌های مختلف و بالاتر از همه در زمینه‌های اقتصادی، علمی و فرهنگی ببندیدگی پیوند میدهد. رئیس‌جمهوری هند، که در مراسم دریافت دکترای افتخاری از دانشگاه مسکو سخن میگفت، اضافه کرد: «هر روزه قصد داریم همکاری در این زمینه‌ها را هر چه بیشتر گسترش دهیم».

سانجیواری گفت: «دین و مذهب‌گدانی برای عدالت و صلح تلاش کرده‌اند و این به مبارزه مردم هند برای آزادی از یوغ استعمار خلاق فراوانی نشان میدهند» رئیس‌جمهور هند به تعلق برجسته مردم هند در مبارزه خلیقا علیه امپریالیسم و استعمار اشاره کرد و نقش علوم شوروی را در پیشرفت چینی مورد تأکید قرار داد.

دیدار رسمی برون کارمل از اتحاد جماهیر شوروی

در یک بیانیه رسمی که در مسکو منتشر شد، اعلام گردید که برون کارمل، دبیر اول کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلاب و نخست‌وزیر این کشور، اواسط ماه جاری رسماً از اتحاد شوروی دیدن خواهد کرد. در این دیدار مسائل مختلف جهانی مورد بحث قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، برپایی اجتماعات در شهرهای مختلف افغانستان برای پشتیبانی از دولت انقلابی ادامه دارد. در این اجتماعات کارگران، کشاورزان و روشنفکران انقلابی و دیگر زحمتکشان اعلام می‌کنند که با تمام قوا از انقلاب در برابر توطئه‌های خارجی دفاع خواهند کرد.

تصحیح

در ششم آذرماه، از اسامی طبری و مندرج در شماره ۲۴۸ نامه مردم شخصیت غلط و جنسیت صحیح است. در ششم دوزم در مرز از اسامی طبری، مندرج در شماره ۲۴۸ نامه مردم، هایداری غلط و هایداری صحیح است. از رفیق ازبک‌نظری خوانندگان گرامی، بعلت این اشتباه عذرتی بزرش می‌طلبیم.

امپریالیسم آمریکا هیستری جنگی و تشنج را در جهان افزایش میدهد

روزنامه «ارواد» ارکان کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، ضمن محکوم کردن سیاست آمریکا در زمینه افزایش تشنج در جهان، نوشت: هر آستانه انتخابات ریاست جمهوری، لایزدهای این انتخابات در زمینه افزایش هیستری جنگی و باصلاح تهدید شوروی مشابه گذشته‌اند. آمریکا به ابتکارهای کشورهای سوسیالیستی برای کاهش تشنج در جهان پاسخ نمیدهد و از تصویب معاهده سال ۴ خودداری می‌کند.

ارواد تأکید کرد: «کاخ سفید پرده تبلیغات جنگی را از پیش داده و استوار موشکهای جدید هسته‌ای در اروپا و به‌تعمین خود تعمیل میکند».

تلاش امپریالیسم آمریکا برای نجات رژیم دست نشانده السالوادور

به گزارش سخنگویان نیروهای مسلح نهضت‌سقاومت ملی السالوادور، یک‌ساز گروه‌های پوزمنده این کشور امپریالیسم آمریکا قصد دارد برای تریب افکار عمومی قویتری در داروسته حاکم بر کشور بوجود آورد. قرار است ۱۵ اکتبر این تغییرات صورت گیرد. همراه با گسترش مبارزه مردم السالوادور علیه داروسته ساکرمی کشور و اردیابان آمریکایی، امپریالیسم آمریکا تلاش می‌کند که چهره واقعی رژیم مستشاده السالوادور را از انظار پنهان بیازد.

جنایات ارتش اسرائیل در جنوب لبنان ادامه دارد

نیروهای ارتش صیویستی در دو روز گذشته بار دیگر جنوب لبنان را مورد حمله قرار دادند. نیروهای صیویستی نزدیک به یکصد نفر را کشتار کردند و ده‌ها نفر را زخمی کردند. ارتش صیویستی در جریان حمله، خانه‌ها را تخریب کرد و ده‌ها نفر را کشتار کرد. ارتش صیویستی در جریان حمله، خانه‌ها را تخریب کرد و ده‌ها نفر را کشتار کرد.

امپریالیسم آمریکا ارسال هواپیماهای آواکس به عربستان را ادامه می‌دهد

هارولد براون وزیر دفاع آمریکا اصرار کرد که در آینده بسیار نزدیک چند فروند دیگر از هواپیماهای آواکس، به عربستان سعودی فرستاده می‌شود. آمریکا هرگز از فرستادن آواکس به عربستان سعودی سستی کرده است. صدها کارشناس آمریکایی نیز همراه این هواپیما به این کشور فرستاده شده‌اند. براون طبق معمول برای توجیه اقدامهای تجاوزکارانه آمریکا مسئله امنیت راه‌های نفتی تنگه هرمز را پیش کشیده است.

هسته اصلی سیاست خارجی لهستان گسترش رابطه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است

پلوم کمیته مرکزی حزب متحده کارگری لهستان بحث بر سر گزارش استانیسلاو گالیله دبیر اول کمیته مرکزی حزب را ادامه میدهد. گالیله در گزارش خود تأکید کرده است که کشور در مسیری که توسعه سوسیالیستی را ادامه دهد، قادر به حل و فصل مشکلات جاری خواهد بود. گالیله در مورد سیاست خارجی گفت: «هسته اصلی این سیاست ادامه و گسترش رابطه با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برای حفظ صلح و تحمیک همکاری در جهان است».

رهبران مسلمانان کامبوچیا جنایات داروسته سرنگون شده پول پوترا محکوم کردند

رهبران مسلمانان کامبوچیا در پامی، ضمن تشریح جنایات داروسته خون‌آشام و سرنگ‌شده پول پوترا، بی‌گساری در کشور خواستار اخراج نمایندگان این جنایتکاران از سازمان ملل متحد شدند. آمریکا و چین با مستزین به مأموریت بی‌شرانه، کرسی داروسته فراری پول پوترا را پنهان بیایندگان مردم کامبوچیا (۱) در سازمان ملل متحد حفظ کرده‌اند.

رهبران مسلمانان کامبوچیا اعلام کردند که رژیم خون‌آشام پول پوترا - بیگساری در دوران حیات شکن خود، سه میلیون نفر از مردم کامبوچیا، از هر نژاد و مذهب، از جمله ده‌ها هزار تن از مسلمانان را قتل‌عام کرده‌اند. اما اکنون تمت رهبری شورای انقلابی خلق، آزادی مذهب برای همه، از جمله مسلمانان گاملاً رعایت می‌شود و مسلمانان نیز مانند دیگر مردم کامبوچیا، در صافی کردن زندگی در کشور، فعالانه شرکت دارند.

رهبران مسلمانان کامبوچیا خواستار تحویل کرسی کامبوچیا در سازمان ملل متحد به نمایندگان واقعی مردم و شورای انقلابی خلق شدند.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اقتصاد خود را با مقتضیات زمان جنگ وفق دهیم

جنگ با خواسته‌های پر کشور ما همخوانی نداشته است. این جنگ، تنها جنگ رژیم پشی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نیست. تجاوز نظامی رژیم پشی عراق حلقه‌ای از تجاوز هموسوم آمریکایی، جهانی، جنس‌گرددگی آمریکایی آمریکا علیه مبین انقلابی‌هاست. این بدان معناست که حتی زمانی که تجاوز نظامی دارووسته صدام‌چین یا رانند متجاوز از مرزهای کشورمان پایدیزد، خط توطئه و تجاوز آمریکایی آمریکا علیه انقلاب ایران همچنان بقوت خود باقی خواهد بود.

سرکوب انقلاب ایران بیروسیله برنامه استراتژیک آمریکایی جهانی، سرگردگی آمریکایی آمریکا است. تجاوز نظامی رژیم پشی عراق حلقه تاکتیکی این برنامه است. این واقعیت است که باید انسی تدارک دفع از انقلاب ایران، هم در آینده نزدیک و هم در درازمدت قرار گیرد.

انقلاب ضدامپریالیستی و خلفا با اگی می‌خواهد بقا و پیروزی قلمی و نمایی خود را تعیین کند، باید در کلیه جبهه‌ها به تدارک جدی تجزیه تمام منابع و امکانات و وفودان شتون متخلفزددگی با مقتضیات زمان جنگ برآید. راه دیگری برای تعیین پیروزی قلمی و نمایی انقلاب و اواراستختن دشمن به تسلیم و شتابانی حق خیات برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد.

وقتی از تجزیه تمام منابع و امکانات و وفودان شتون مختلف زندگی در یک کشور انقلابی با مقتضیات زمان جنگ سخن می‌گوییم، طبیعتاً این که توجه به مسائل اقتصادی در مرکز دقت قرار می‌گیرد، زیرا نه فقط پیروزی انقلاب در درازمدت، بلکه تعیین ثلثه دیربردهای هموسی و تاکتیکی نظامی نیز ارتباط مستقیم با اتخاذ تدابیر مقتضی اقتصادی دارد.

در جنگ‌های امروز که جبهه و پشت جبهه از هم تفکیک‌ناپذیرند، در نتیجه‌های، تدابیر درست و ضرورت و موقعیت اقتصادی است که عامل تعیین برتری و پیروزی در جبهه‌موقبت‌های نظامی خواهد بود. هرچنانکه فقدان اقتصادی که با مقتضیات زمان جنگ وفورده شده باشد، می‌تواند اثرات پیروزی و فداکاریهای جبهه جنگ را خنثی سازد و زمینه شکست را فراهم آورد.

انقلاب ایران در دوران اسراژ انقلاب، گام‌های مهمی در جهت انطباق خود با شرایط حصاره اقتصادی آمریکایی و تهاجم آن در زمینه‌های صنعتی، مالی و بازرگانی برداشت. تصمیمات مربوط به ملی‌کردن رشته‌های اساسی صنعتی، تاکتیک بانکها، اقدامات در جهت ملی‌کردن بازرگانی خارجی و صادرات سرمایه و گروهای عمده‌مقنونی و وابسته و تصویب قانون اسلحرات ارضی دامی‌توان از جمله این گام‌ها دانسته این اقدامات که همه لازم‌بودند، متشانه با سرعت و قابلیت و جامعیت انجام شدند. بسیاری از پایه‌های اقتصادی ایران در دوران اسراژ پیروزی انقلاب از یکطرف ارضیه رژیم رژیم پشی و از طرف دیگر سرکوب، دست‌آگاه، کلاه دولت مرتد بود. طیاره این نابسامانی‌ها میبایستی مرتاح می‌شد و رویکردی در جهت...

با ضرورت و مقتضیات جنگ چه از لحاظ کوتاه مدت و چه از لحاظ درازمدت، رونق داده شود. گنشم که تدابیر و قوانینی که در دوره اسراژ پیروزی انقلاب، با قبل از تجاوز نظامی اخیر دارووسته صدام‌چین به کشور انقلابی ما، در زمینه انطباق اقتصاد ایران با ضرورت‌های انقلاب گرفته شده، در شرایط شمول آغاز جنگ وسیع باید سرما با اجرا گذاشته شود. این امر شامل اجرای سریع همه قوانین متخده در زمینه ملی‌کردن سرمایه‌های بزرگ، وابسته و ملانوفی در کلیه اهور مستثنی، بانکی، حمل و نقل، بازرگانی و کشاورزی و خدمات می‌گردد. واقعیت اینست؛ که بسیاری از قوانین متخده و اصولی که قانون اساسی جمهوری ایران صراحتاً برای اجرا آن دارد، هنوز به اجرا درنیامده‌است. بعنوان نمونه می‌توان از عدم اجرای اصل ملی‌کردن بازرگانی خارجی و در پیوند آن ایجاد سیستم توزیع دولتی کالاها ضروری نام برد، که در گذشته نه فقط از جهت انطباق اقتصاد ایران با ضرورت‌های انقلاب، بلکه از جهت وفودان اقتصاد جمهوری ایران در مقابل زمان جنگ، اجرای آن بیچگونه تأخیری را تحمل نمی‌کند.

حالا بچگونه می‌توان نیازهای جبهه و پشت جبهه را به انواع کالاهای ضروری و خدمات روزمره و ساعت به‌ساعت برآورده ساخت، در حالیکه اهرم‌های اساسی بازرگانی خارجی ایران در دست سرمایه‌داران بزرگ و اختیار کالاسا در بنادر، انبارها، سرولخانه‌ها، راه‌ها، کاروانسراها و سد‌ها و مراکز بازرگانی عمده توزیع کالا در دست صاحبان سرمایه‌های خصوصی است. جبهه احتیاج به دریافت قوی انواع و اقسام کالاهای ضروری، از وسایل پزشکی گرفته تا خواربار دارد. چطور می‌توانیم - با وجود مالکیت عمده سرمایه‌داران، که در پی فروش کالای خود به قیمت گران، حتی اسلحرات کالا و پنهان‌داشتن آن حتی در شرایط جنگی هستند - جبهه و پشت جبهه خود را تعیین کنیم و بوقع نیازهای آن را برآورده سازیم؟

جنگ - جنگ عمومی است. سلطه سرمایه خصوصی بر منابع عمده کالایی و نیروی انسانی، با طبیعت جنگ خلق انقلابی باوقتن فداکار آمریکایی و عاملین آن، که هر روز به پهنای به کشور ما تاختن می‌گیرند، به هیچ‌وجه مطابقت ندارد.

اما تازه آنچه گنشم می‌بویط به عدم انطباق اقتصاد عمومی کشور ما با نیازهای انقلاب است؛ که از عدم اجرای سریع اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ناشی می‌شود. انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی نمی‌تواند بر مبنای اقتصادی که هنوز بطور عمده پیش آن با رعایت متافع سرمایه‌های بزرگ وابسته برینده رشد و توسعه یابد، باید این تناقض آشکار با محدودساختن سلطه سرمایه بر اقتصاد ملی ایران، با انطباق هرچه بیشتر اصول اقتصادی انقلاب، جمهوری اسلامی ایران بر تمام رشته‌های فعالیت اقتصادی ازین برداشته شود. این چنین اقداماتی که هنوز مورد تجاوزات نظامی قرار گرفته‌اند، ضرورت حاد دارند. که سرما بچگونه...

ضرورت‌های جنگ ایجاب می‌کند که هرچه سریعتر در اقتصاد کشور خود تغییراتی کاملاً جدی و عمقی در جهت خلقی کردن اقتصاد بطور کلی وارد کنیم. در انطباق اقتصاد ملی با ضرورت‌های زمان جنگ، باید سرمایه‌های جدی و قطع در همه شتون زندگی گرفته شود. این تصمیمات از تصویب و اجرای بودجه متناسب با مقتضیات زمان جنگ گرفته، تا سرسومان‌دادن سریع به تولیدات صنعتی، منجمله صنایع...

نظامی، حفاظت جدی و اجتناب سریع صنایع نفت، پتروشیمی، کانی، آب‌شکافت‌های داخلی، بیرونی، مواد سوختی و انرژی در صنایع کشور، اولویت بخشیدن به تأمین نیازهای جبهه و استمرار نظارت دولتی بر رشدات شهری در کلیه شهرهای بزرگ و مراکز عمده و سدنا نظایر آن را در بر می‌گیرد.

لیکن تنها برایا به وسیع انقلابی - نظامی کلیه امکانات داخلی نیست، که می‌توان با یاده اقتصاد مقنوم ایجاد کرد، که طاقت تحمل ضرورت‌های جنگ و امکان تأمین پیروزی بردشمن را داشته‌باشد. انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی مردم ما از امکانات وسیع بین‌المللی برخوردار است. می‌توان و باید از همه این امکانات به سود طرحی اقتصادی متناسب با مواقع زمان جنگ وسیع استفاده کرد. یاک امتیاز فوق‌العاده ایران انقلابی پایه‌های کشورهای دیگری که انقلاب کرده در مرفه‌نی تهاجم آمریکایی و توطئه‌های گروگان‌گرونی سیاسی، اقتصادی و نظامی آن قرار گرفته‌اند، اینست که، کشور ما هم‌روز هم‌روز گنشم قوی‌ترین کشور سوسیالیستی جهان، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است، که تا حد درجه زمینه‌های دریاتک اقتصاد سوسیالیستی با نیازهای دفاع ایران در مقابل توطئه و تجاوز آمریکایی، سرگردگی آمریکا، به کشور ما کمک کند. از طریق اتحاد شوروی که تا ۳۰۰۰ کیلومتر در خشکی و دریا با آن هم‌روز هستیم، ما می‌توانیم از کمک‌های اقتصادی وسیع کلیه کشورهای سوسیالیستی شرق اروپا نیز استفاده کنیم. کلیه این کشورها در برابر هم‌دوره نسبت به انقلاب ایران و آمادگی برای ابراز کمک‌های وسیع اقتصادی در کلیه زمینه‌ها به کشور ما پیشقدم بوده‌اند. در ابراز صداقت آن نسبت به جمهوری اسلامی ایران همین‌س که، کلیه آنها وسایع در نهایت گنشم بین‌المللی بازرگانی ایران شرکت کرده.

این تصور که آمریکایی آمریکا با شکست در اولین تلاش‌های مذوخته خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، از کشور ما دست‌خواهد کشید و از راه توطئه‌ها و تجاوزات نظامی مایوس‌خواهد شد، ساده‌اندیشی است. آمریکایی آمریکا تا روزی که جمهوری اسلامی ایران اقتصاد مقنوم را، که هیبت‌توان، با محاسره اقتصادی در زمان صلح و هم با تجاوزات نظامی در زمان جنگ با استحکام تحلیله کند، در برابر خود بیند، دستاز توطئه و تدارک تجاوز علیه کشور ما نخواهد داشت.

راه ایجاد چنین اقتصاد مقنوم، گنشم از سرعت بخشیدن به اجرای تصمیمات اقتصادی - اجتماعی انقلابی در داخل کشور، استفاده وسیع از کلیه امکانات بین‌المللی جبهه ضدامپریالیستی است. این جبهه امروز بیش از هر زمان دیگری نیرومند است و با قابلیت ازباده خود در برابر تجاوز آمریکایی، دفاع می‌کند.

بناظر آوری که در تمام انقلابی - اینکه هم توان خلقی خود کشور‌های سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی را، با وجود دوری مرزها، وثقه پیروزی خود در جنگ پکنه علیه آمریکایی فداکار آمریکا قرارداد و آن را برانورد آورد. فراموش نکنیم که اگی به مبارزه جدی و قطع علیه آمریکایی‌ها، سرگردگی آمریکا، سرکوب و سرخوامی مانند ملت قهرمان ویتنام در دفاع از استقلال و آزادی و حفظ جمهوری اسلامی در کشور خود سرینند و متخرب‌هرون آئیم، سرکوب و بیاید نتایج تجربه تاریخی ویتنام قهرمان را ندانید، انگار، دربرخورد به‌نیازهای انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی، پنهان، که امروز خودتجاوز بیچارگانه رژیم پشی عراق، بعنوان پیشروان و بازو آمریکایی‌ها چنانکار آمریکا مواجه شده، آنچنان بیاندیشیم، که تاریخ آینده ما را تعیین کند و نه آنکه به‌فدائیکاری متهمان سازد.

سندیکای کارگران خیاط تهران و حومه آمادگی خود را برای درهم شکستن تجاوز رژیم پشی عراق و برای دفاع از جمهوری اسلامی در مقابل توطئه‌های امپریالیسم اعلام میکنند

- ۱- با مراجعه به ستاد بسیج ملی و دیدن آموزش نظامی برای دفاع از مین آمادگی لازم را پیدا کنند.
 - ۲- با مأمورین مساهم‌اسداران و کشته‌های مبارزه و آنان را در جبهه‌های دفاعی انقلابی‌شان یاری کنند.
 - ۳- از ذخیره کردن مواد اولیه و ماشین‌های زندگی خودداری کرده و در جهت بالا بردن روحیه انقلابی دیگر هنرمندان کوشش نمایند.
 - ۴- در صورت امکان کتیک‌های غذای دارویی را جمع‌آوری کرده و با تحویل آن به مراکز آماده به خدمت‌های مختلف کشور، مساهم‌اسداران را یاری کنند.
 - ۵- کارگران آگاه باید با آگاه نمودن دیگر هنرمندان، شایسته دفاع انقلاب را عملی کنند.
 - ۶- در شرایط حساس امروز از تخلی نمودن کار، که به نفع سادات انقلاب تمام میشود جدا جلوگیری کنند.
 - ۷- نسبتاً اطلاع کارگران صنف میرسانیم، برای رعایت مقررات خاموشی، جلسات عمومی سندیکا تا اطلاع ثانوی تعطیل‌اعلام میگردد. ولی سندیکا همه روزه برای مراجعه کارگران با قبل از خاموشی باز است.
- سندیکای کارگران خیاط تهران و حومه ۱۴۰۰۰۰ - چهارم کنت پاساژ سهدری

تجاوزات آشکار رژیم جنایتکار پشی عراق و توطئه‌های امپریالیسم امریکار محکوم کرده و تاپای جان از استقلال میهن دفاع میکنیم

بنام خدا... در هر نقطه که هستید مردم را برای جنگ با آمریکا و اقتضای خونخوارش چون عراق آماده کنید. امام خمینی

ما می‌دانیم این جنگ، جنگ بین ایران و آمریکاست. جهت اسلام و رفعتیانی جنگ تحلیلی رژیم همسرمدی عراق توطئه دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران میباشد و رژیم جنایتکار صدام و ارباب‌خونخوارش آمریکا چنانچه می‌نمایند که مترواند به استقلال مردم ماوسوق متحد و متفکر مردم ایران سریه بزنند. امام خمینی رهبر زینت‌انگیز جمهوری اسلامی ایران چه خوب می‌گوید که ما هرگز هیچ غلطی نمی‌تواند بکنیم. ویرایشی اگر مردم ما هم متحد باشند، می‌توانند همه تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم جنایتکار پشی عراق را در نهام‌سلطه به‌سخت بکشانند.

هشت مدیره سندیکای کارگران کابرفروشی و انبارهای مربوطه همه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا را محکوم کرده و اعلام می‌دارد که حاضر است با پای جان از استقلال

نامه مردم

آژان مرکزی خبیه تهران

دارنده امتیاز
مدیر مسئول:
موج‌پریزادی

خیابان اندر شماره ۱۸

(دفتر نامه مردم)
هتوز در اختیار
نامه مردم نیست)

NAMEH MARDOM

No. 351
7 October 1980

Prices:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!